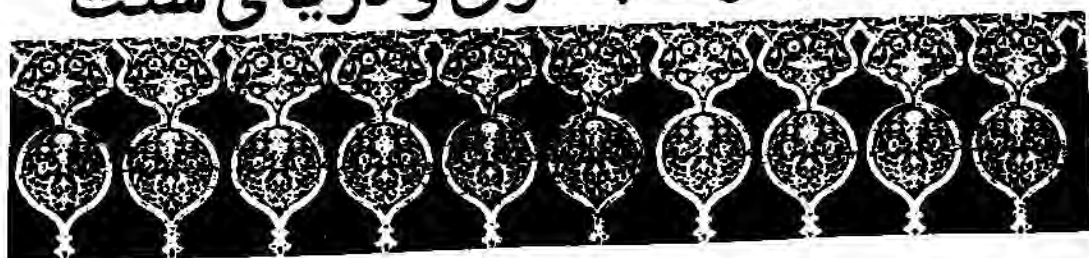


موج نودر کتابداری و دریای سنت



نوشته ایرج افشار

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

انجمن کتابداران ایران که به پایمردی ذوق و شوق عده‌ای از خادمان کتابخانه‌های ایران، بدین پایه از گسترش و خدمتگزاری رسیده و بابرگزاری سالروز تأسیس خود به مصداق آیه شریفه "بَلِّغْ عَشْرَةَ كَامِلَةً" دهمین سال زندگی را پشت سرگذاشته، یادگاری است از همکاری و هم‌آوازی جمعی که خدمات مربوط به یکی از مهم‌ترین حرفه‌های فنی را در جامعه علمی و فرهنگی

ما برعهده دارند .

تشکیل انجمن کتابداران ایران در ده سال پیش، گویای تازگی و شکفتگی نیروی جوان و نیز بیداری آن عده از کتابداران بود که متوجه لزوم داشتن مجمع مشترکی برای حفظ حقوق صنفی و توسعه فعالیت‌های فنی و تخصصی خود شدند ، بدین امید که به وسیله تعاطی افکار و وضع اصول و قواعد لازم و نشر فکر کتابداری فنی موجبات پیشرفت و مفید واقع شدن کتابخانه‌های موجود در مملکت را فراهم سازند.

بی تردید تشکیل این انجمن و بالیدن آن تا بدین مرحله از حیات نشانی است از آنکه تعداد کتابخانه‌ها و کتابداران افزایش یافته است و خدمت کردن به مردمی که خواستار کتاب و دریافت آن از کتابخانه‌های باشند بیش از زمانهای پیش رواج پذیرفته است .

اما نباید تصور کرد که از تاریخ کتابداری ایران فقط ده سال می‌گذرد . کتابداری ایران پشتوانه‌های گرانسنگ و سرگذشتی دراز و پلایسی دارد . خدماتی که وراقان و خازنان ایرانی در گذشته به پیشرفت معارف بشری کرده‌اند طبعاً در مقام سنجش با آنچه امروز می‌شود موجب سنگینی کفه ترازو به سوی گذشته است . به همین جهت همه کتابداران باید آنچه را که گذشتگان ما به صورت سنتی انجام داده‌اند مایه فخر و مباهات بدانند و تاریخ صنف خود را از همان دورانی بدانند که ابن ندیم در بغداد به نوشتن الفهرست همت گمارد . نیز از روزگارهایی یاد کنند که پنجاه و هشت نفر از "علماء کتبخانه‌ها" همایون" به هنگام عرض سپاه اوزون حسن در تخت جمشید با عاملان و کارکنان دیگر همراه بودند .

کتابدار ، در هر یک از دوره‌ها از خصوصیتی و فرهنگی برخوردار و از دانشهای مرسوم زمان خود ناگزیر آگاه بود .

در دورانی که بیت الحکمه‌ها و کتبخانه‌ها در سراسر سرزمینهای

اسلامی و مخصوصاً در قلمرو حکومت‌های ایرانی دایر بود معمولاً کتاب‌دار دانشمندی بود محیط و جامع نسبت به معارف زمان خود . اکثر آنها « دانش‌شناس » بودند ، یعنی از آن صفتی برخوردار بودند که امروزه سعی می‌شود تحصیلات تخصصی کتابداری بدان جانب کشانیده شود .

کتابدار عصر تیموری و صفوی بیشتر هنرشناس و شعر دوست و خوشنویس و تذهیب‌پرداز بود و در هنرپرداختن کتاب خطی چیره دست و استاد . طبعاً کتابدارانی که از دانش‌های زمان خود بمانند بود و ذوق و هنر را جمع داشتند به خوبی می‌توانستند نیازهای مخاطبین و مراجعان خود را برآورند . احترام حرفه و مقامشان کاملاً محفوظ بود . بی‌دلیل نیست که مسعود سعد سلمان در مقام تفاخر از تصدی کتابخانهٔ سلطان مسعود سوم غزنوی سروده است :

دارالکتب امروز به بنده است مقوض این عز و شرف گشت مرارتت والا

شاعری به بلند سخنی مسعود سعد که حرفهٔ کتابداری را بی‌اغراق شاعرانه موجب عزت و شرف خود می‌داند از هنر کتابداری هم بی‌بهره نبود . چه در تنظیم کتابخانهٔ مسعود تقسیم‌بندی علوم را رعایت کرد ، چنانکه خود گفته است :

دهد هر علم را نظمی که هر کس بود از علم نوعی را خریدار

یعنی همان کاری را کرد که ابن سینا هم در سرگذشت خود آورده و از تقسیم‌بندی کتب به ترتیب علوم یاد کرده است و چون مکرراً این مطلب بازگوئی شده است بدان نمی‌پردازم .

ولی شاید نشنیده باشید که آثار رعایت اصول ترتیب کتابخانه بر اساس تقسیم علوم را در عهد ایلخانان نیز می‌توان عرضه کرد و گفت که رشید الدین فضل‌الله طبیب همدانی ، مورخ و وزیر در عصر غازان و اولجایتو در وقفنامهٔ ربع رشیدی تبریز چنین شرط کرده است : « جهت خزانهٔ کتب در کتابخانهٔ

یمن و یسار گنبد ساخته شده و ترتیب آن چنان است که . . . کتب منقولات
و مصنفات خاصه (یعنی تالیفات خودش) در کتابخانه^۱ ایمن نهند و کتب
منقولات در کتابخانه^۲ ایسر . . . ”

رشید الدین فضل الله نسبت به مقام کتابدار احترامی و شأنی همانند
مدرس تفسیر و حدیث قائل بود و در جایی که مرسوم و حقوق خازن (یعنی
کتابدار) و مناول (یعنی کتاب دهنده) رابه تفصیل معین کرده مشاهره^۳
کتابدار را یکصد و پنجاه دینار قرار داده است و این مبلغ مساوی و معادل
بوده است با مرسوم ” مدرس فاضل تفسیر و حدیث ” در همان ربع رشیدی .
جزآن برای کتابدار محل سکونت نیز تخصیص داده بوده است .

لاجرم کتابداری که در دستگاه رشید الدین فضل الله خدمت می کرد از
هنر کتابداری بهره ور بود . و از همه نوع اعتبار برخوردار داشت و در سواد
و علم بدان حد بود که می توانست کتب معقول را از منقول باز شناسد یعنی
همان وظیفه و تخصصی را داشت که امروز کتابدار متخصص انجام می دهد و
در طبقه بندی کتب رعایت می کند .

باید مقرر بود که کتابدار قدیم به همین مفهوم امروزی ، کتابدار متخصص
بود اما به اقتضای احتیاجات زمانه و بنیانی که خدمت آنجا را برعهده گرفته
بود انجام وظیفه می کرد . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چنین کتابدارانی که درخواهها و نیاز علمی تمام بزرگان فکر و دانش
ایران را در طی قرون جوابگوئی می کردند مردمی بودند که بی هیچ شبهه با
جامعه^۴ عصر خود و فرهنگ آن بستگی روحی و معنوی داشتند . میان مردم
و آنها از حیث موازین فکری و گانگی مشهود نبود . کتابی که آن کتابدار
می شناخت و در اختیار دیگران می گذاشت همان فرهنگ و مضامینی را در برداشت
که مردم عادی هم محله^۵ او از زبان خطیب شهر استماع می کردند و در حلقهها^۶
صوفیان و زاویههای درویشان نیز به همان اصول و اسلوب به ذکر و سماع

پرداخته می‌شد. همه در یک فضای فکری مشترك، از معارف رایج جامعه آن روزگاران مستفید می‌شدند.

چون زمانه از تغییر پذیرفتن باز نمی‌ایستد و تحول و پیشرفت کتابداری از دگرگونیها و گسترشهای دانش بشری جدا نیست کوشش کتابدار امروزی باید برین مدار باشد که مطابق با وضع و محیط علمی جدید به کار پردازد و با همکاران همزمان خود در نقاط مختلف جهان هم افق باشد و باتازه‌ترین روشهای "دانش‌شناسی" آشنائی پیدا کند.

اما از سوئی قدرت سنت پای می‌فشارد و در مواردی ازیندیرفتن تازه‌ها تن می‌زند. آنچنانکه کتابدار صاحب فرهنگ قومی نمی‌تواند به آسانی به هر تازگی تن بدهد. او نمی‌خواهد که تمام سنن و مواریت فرهنگ قدیم خود را رها سازد. این تضاد هر جا که فرهنگ قومی زنده و پایدار و ریشه در خاک است جان می‌گیرد و اظهار حیات می‌کند.

از همین برخوردارست که مسائل اساسی و بنیانی مربوط به سرگشتگی کتابداری در جوامعی چون محیط ما طرح شده‌است و نادیده گرفتنی نیست. تردید نیست که یکی از اهمّ این مسائل نحوهٔ بینش کتابدار و احترامی است که باید جامعه و دولت بدو بگذارد. اگر در نیای قدیم کتابدار خادم فرهنگ جامعه بستهٔ خویش بود، کتابدار امروزی ناگزیرست که از دیدی جهانی برخوردار باشد و با توجه به آنچه در سراسر دنیا علم می‌گذرد به خدمتگزاری پردازد تا خادم راستین جامعه‌ای باشد که در بالیدن آن کتابدار سرمایه گذاری کرده است.

* * *

بی‌تردید در عصری که دولت‌ها امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ دارند، کتابدار باید چشمش به سوی اعتبارات رسمی دوخته باشد و آنچه می‌تواند بیشتر طلب کند تا بتواند برغنائی کتابخانه بیفزاید.

ناوقتی که توجه دولت‌ها به چنین سرمایه‌گذاری علمی و بنیانی — معطوف نشود و مدیران بخشهای خصوصی و عمومی به وجوب حیات کتابخانه توجه کافی نداشته باشند و خواندن جزئی از زندگی همگان و بالخصوص مدیران امور از عالی تا دانی نشود جوهر بپوشد و دانائی نضج نمی‌گیرد. مثالی گویا آنکه یکی از اهمّ احتیاجات هر جامعه علمی در جهان امروز دسترسی به نشریات ادواری جاری و گذشته است. در حالی که مسلماً برای دریافت آن دسته از نشریات ادواری معتبر که تعداد آنها از هفت هزار در زبانهای مهم کمتر نیست مبالغی کلان مورد حاجت است و فقط اعتبارات دولتی است که می‌تواند چنین مجموعه‌ای را همیشه همگام با جریان روز زنده نگاه دارد.

مثال دیگر آنکه يك قسمت از سرمایه ملی و میراث فرهنگی ایران ذخائری است که به صورت نسخ خطی و اسناد باقی مانده است اما به علت کافی نبودن اعتبارات مؤسسات رسمی مملکت غالباً به توسط عتیقه بازها و مجموعه پردازها از دسترس عموم خارج می‌شود. در حالی که وظیفه‌ای است حتمی تا همانطور که حفاظت ابنیه باستانی لازم شمرده شده است جمع‌آوری نسخ خطی و اسناد هم از راه خریداری آنها جزء اصول نگاهبانی تاریخ قوم ایرانی قرار بگیرد و اعتبارات شایسته‌ای بدین منظور تخصیص داده شود. بی‌تردید یکی از اهمّ مسائل بنیانی برخوردی است که میان کتابخانه با بعضی دیگر از وسایل ارتباط جمعی (مخصوصاً با تلویزیون) پیدا شده است. ناچار باید دقیقاً سنجید که در قبال وفور چنین وسائل تا چه حد کتابدار نسبت به صرف اوقات فراغت افراد جامعه و وظیفه مند می‌شود. باید دید چرا هنر خواندن کتاب آن چنانکه مورد انتظار است تقویت نمی‌شود و چه مشکلاتی سد راه شده است. آیا کتابها مناسب و دلپذیر نیست یا کتابداران مورد حمایت و احترام نیستند. بالأخره باید دید چرا کتاب و کتابخانه در

جامعه^۶ ما ضعیف ترین عامل نشر فکر و هنرست.

گفتیم که کتابدار در هر جا و هر دوره ای باید شایستگی پاسخگوئی دقیق به خواسته های خواستاران کتاب را داشته باشد و چنانکه اشاره شد باید میان او و مراجعه کننده رابطه^۶ معنوی و روحی استوار دایر باشد. پس در برآوردن چنین نیتی باید در بالیدن کتابدارانی کوشش شود که با فرهنگ ملی مردم هموطن آشنائی تام داشته باشند و از دید جهانی محروم نباشند. میان آنها و مراجعه کنندگان توافق و همترازی معنوی برقرار باشد. یعنی کاری کرد که بزرگان کتابداران جهان کرده اند و موجد نهضت های جدید کتابداری شده اند و نحوه خدمت کتابداری را خاص جامعه^۶ خود به وجود آورده اند. به هند بنگرید، به ژاپن بنگرید، به اسرائیل بنگرید

یکی دیگر از مسائل عمده که در کتابداری ایران، روز به روز، جنبه^۷ عمیق تر به خود می گیرد ناهماهنگ بودن برنامه های مربوط به امور کتاب و کتابخانه است. چه تمام کوششهای دلیزیر و تقدیر شدنی که برای ایجاد کتابخانه های کودکان به کار می رود باید همگام باشد با ایجاد کتابخانه های متعدد مدرسه ای و عمومی در سراسر ایران بدین صورت که هنر خواندن در دوره های کودکی و نوجوانی همچون سلسله ای پیوسته باشد تا بدینجا که به رشته کتابخانه های دانشگاهی و اختصاصی و ملی بپیوندد و ازین راه پیوستگی فرهنگی افراد جامعه در سنین مختلف به وجود آید.

به همین منظور بود که در نخستین مجمع بحث درباره^۷ مسائل کتابخانه های دانشگاهی که دو ماه قبل برگزار شد پیشنهاد شد که یکی از مهمترین کارها که موجد هماهنگی در برنامه ریزی مربوط به کتابداری ایران می شود تشکیل کمیته ملی و قانونی کتابخانه ها است.

مسلم است تنی چند کتابدار که در انجمن کتابداران ایران عضویت دارند به تنهایی نمی توانند موجبات قانونی برنامه^۷ هماهنگ کننده ای را به

وجود آورند و برای آن ضمانت اجرا ایجاد کنند. اما انجمن کتابداران ایران در صورتی که کمیته ملی کتابخانه‌های ایران با تصمیم قانونی و خلل ناپذیری به وجود آمد باید آماده باشد که در ایجاد ضوابط و اصول همکاری و تهیه طرح‌های لازم مشارکت کند و قابلیت علمی خود را عملاً به اثبات برساند.

در صورتی که لزوم چنین کمیته‌ای قطعی باشد و آن کمیته به وجود آید نخستین نکته‌ای که باید هدف آن باشد پیروی از "تفکر ملی" در زمینه کتابداری است و آن حاصل و عاید نخواهد شد مگر از راه شناخت جوانب مختلف فرهنگی و نیازهای جامعه کنونی و توجه دادن سریع به برطرف کردن تمام مشکلات مربوط به نشر و تهیه کتاب.

از راه ایجاد تفکر ملی است که می‌توان همپایه ملی که قواعد کتابداری را به وجود آورده‌اند و از میان آنها امثال دیوئی برخاسته‌است و کتابداری در خدمت همه مردم آن قوم قرار گرفته‌است وضع کتابداری ملی را ترقی داد. البته منظور از تفکر ملی چیزی جز تلفیق مظاهر مفید و دیرپای فرهنگ ملی و فنون علمی کتابداری جدید نیست.

برخوردی که بدان اشاره شد باید به چنین همبستگی منتهی شود. نکته اساسی دیگری که وظیفه کمیته ملی خواهد بود بررسی کمبودهایی است که هم‌اکنون کتابخانه‌های موجود ایران با آنها مواجه است، هم از لحاظ نیروی انسانی و هم از جهت کتاب. بدین معنی که باید با بررسی دقیق معلوم کرد تناسب سرمایه گذاری در کار کتابخانه‌ها با سایر امور فرهنگی و آموزشی و علمی چیست و چه باید باشد. با برنامه‌های منضبط پیوسته به گسترش کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی واقعی پرداخت و پیشرفت صنعتی و علمی کشور را بطور عمیق ترمکی بر پشتوانه زوال ناپذیر کتاب قرار داد. البته کتابداری جدید ایران پیشرفتهای نمایان داشته است و تأسیس

انجمن کتابداران ایران یکی از مظاهر برجسته^۴ آن است. همچنین تصویب قانون تأسیس کتابخانه‌های عمومی و هیأت‌های امنای آنها، مقررات تشویق مؤلفان، تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کتابخانه‌های آن، ایجاد گروه‌های آموزش کتابداری در چند دانشگاه و مدرسه عالی، تأسیس مراکز خدمات کتابداری و مدارک علمی و سازمان اسناد ملی ایران و بنیان گذاری کتابخانه^۴ پهلوی هر یک تأثیری و سهمی خاص داشته و موجب پیشرفت را فراهم آورده است.

اما کتابداری جدید وقتی می‌تواند بطور واقعی در حیات علمی کشور مؤثر واقع شود که از خطراتی چون قطب‌گرایی، فردیت، محلی شدن، و بالاخره آنچه مهم‌ترست بی‌اعتنا بودن به فرهنگ ملی کاملاً پرهیز کند و در به وجود آوردن قواعد و ضوابط کتابداری از اخذ اصول جدید و صحیح، نه تنها با فکر و سنجش بلکه با همفکری پیش‌رود. بی‌شک چنین کارها همان امیدی است که نخستین گام آن با ایجاد انجمن کتابداران برداشته شده است. این انجمن است که باید وسائل همفکری و همکاری را در کتابداری نوین ایران فراهم سازد.

سخن خود را با بیتی از شمس‌الدین کیشی از دانشمندان گرانقدر قرن هفتم به پایان می‌برم که وقتی در مورد شعرنوبه کار بردم و تصور می‌کنم که درباره کتابداری نوین ایران هم دور از واقعیت نیست.

هر نقش که بر تخته هستی پیداست	آن صورت آن کس است که نقش آراست
دریای کهن جو بر زند موجی سو	موحش خواند و در حقیقت دریاست